

## یادواره شهدای بانک کشاورزی، میثاق دوباره با شهادت



همزمان با میلاد با سعادت حضرت امام موسی کاظم(ع) و در آستانه سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، یادواره شهدای بانک کشاورزی برگزار شد. این مراسم با هدف تجلیل از مقام والای شهدا و رشادتها و جانفشانی های جانبازان، ایثارگران و آزادگان این بانک در دوران دفاع مقدس، روز شنبه سوم بهمن ماه سال جاری برگزار شد. در این مراسم، مهمانان شرکت کننده، نماز جماعت ظهر و عصر را در نمازخانه بانک با حضور دکتر محمد طالبی مدیر عامل و دیگر اعضای هیات مدیره به جا آوردند و سپس دکتر طالبی با تک تک خانواده های معظم شهدا دیدار و گفت و گو کرد. همچنین ۲ جلد کتاب از خاطرات ایثارگران و چگونگی به شهادت رسیدن خانواده شهید نفیسی و محاکمه جنایان آن جنایت هولناک که هر کدام با تیراژ ۲ هزار جلد چاپ شده بود، بین مهمانان توزیع شد. در ادامه این مراسم خانواده معظم شهدا و رابطان ایثارگران، همان روز به اتفاق همکاران روابط عمومی در آستان مقدس حضرت صالح ابن موسی الکاظم (ع) در تجریش حاضر شدند و آن مرقد مطهر را زیارت کردند.

۲ جمهوری اسلامی  
مدیون خون شهیدانست

۳ ما از خانواده شهدا  
روحیه می گیریم

۵

کشور بخلاف ندارد سیستم بانکی  
مربوط به امور ایثارگران است





حجت الاسلام رحیمیان، نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید

## جمهوری اسلامی مدیون خون شهید است

ارتش مجهز و بزرگ دنیا نتوانست با حزب الله لبنان مقابله کند و در جنگ ۳۳ روزه سر تعظیم فرود آورد. وی از غزه نیز به عنوان یکی از مناطق تأثیر گرفته از انقلاب اسلامی نام برد و بیان کرد: به رغم تمام محدودیت‌هایی که مسلمانان غزه با آن مواجه هستند، در مقابل ارتش تا دندان مسلح اسرائیل ایستادگی آنان متأثر از خط امام و شهدای جنگ تحمیلی است. نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید انقلاب اسلامی تصریح کرد: در کشور ترکیه نیز تا قبل از دهه ۷۰ اثری از اسلام دیده نمی‌شد ولی پیروزی انقلاب اسلامی این کشور را نیز دگرگون کرد به طوری که

ولو نیروهای حزب الله و بسیج را ادامه‌دهنده راه شهدا و آرمان‌های آنها دانست و بیان کرد: با وجود چنین نیروهای ایثارگری آمریکا و اسرائیل حتی فکر حمله نظامی به ایران را نمی‌کنند و تمام توان خود را به دلیل تهاجم فرهنگی و سست کردن بنیان‌های خانواده و اعتقادات مذهبی مردم به کار گرفته‌اند، غافل از آنکه نظام و مردم ما شیعه امام زمان هستند و این‌گونه ترندها کارساز نبوده و با ظهور امام زمان عدالت بر همه گستره عالم حاکم خواهد شد. وی با اشاره به فرمایشات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و ائمه مبنی بر پایان ظلم و ستم و برقراری عدالت در جهان گفت: تا حاکمیت اسلام ناب و مکتب اهل بیت این نظام و راه شهدا ادامه خواهد داشت و کسانی که در این مسیر با یاد و آرمان‌های شهدا همراه باشند، در دنیا و هم در آخرت سعادت‌مند خواهند بود.

**جایگاهی که امروز مردم ایران و جمهوری اسلامی ایران در جهان دارند قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست و ما امروز شاهد استقبال گرم و باشکوه مردم سایر کشورها در سفرهای مقامات جمهوری اسلامی هستیم**

در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد بانوان در ترکیه از حجاب اسلامی برخوردارند. وی در ادامه با بیان این مطلب که جنگ هشت ساله ایران و عراق نمونه بارزی از جنگ حق علیه باطل بود، گفت: در این جنگ افراد زیادی از دو طرف کشته شدند اما کشته‌شدگان عراقی متجاوز و تحت فرمان طاغوت می‌جنگیدند ولی کشته‌شدگان ایران در دفاع از تمامیت کشور اسلامی و

به طور خاص اتمی را مدیون شهید دانست و گفت: اگر نبود جانفشانی‌های شهیدان پیشرفت کشور در زمینه‌های یادشده قابل تصور نبود و ما هرچه داریم از برکت خون شهیدان است. وی با اشاره به جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جهان و میزان تأثیرگذاری انقلاب در کشورهای همسایه، تصریح کرد: جایگاهی که امروز مردم ایران و جمهوری اسلامی ایران در جهان دارند قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست و ما امروز شاهد استقبال گرم و باشکوه مردم سایر کشورها در سفرهای مقامات جمهوری اسلامی هستیم. رحیمیان ادامه داد: انقلاب اسلامی تمامی معادلات سیاسی جهان را برهم زد و موجب گسترش دین مبین اسلام در تمام کشورهای جهان به‌ویژه در کشورهای همسایه شد که از جمله این کشورها می‌توان به لبنان اشاره کرد که زمانی در این کشور شیعه جایگاهی نداشت و امروزه شاهد هستیم به برکت وجود جمهوری اسلامی شیعیان نقش کلیدی در مناسبات سیاسی و نظامی لبنان دارند، به طوری که اسرائیل با در اختیار داشتن چهارمین

در ادامه مراسم یادواره شهدای بانک کشاورزی نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید انقلاب اسلامی ضمن تشکر از دکتر طالبی، مدیر عامل بانک کشاورزی برای بزرگداشت یاد و نام شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی، گفت: جایگاه و شأن شهدا از صدر اسلام تاکنون هم بسیار روشن و واضح بوده و هم مجهول و قابل تأمل. حجت الاسلام والمسلمین رحیمیان ادامه داد: بعد معنوی جایگاه شهید برای ما قابل درک و فهم نیست و خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «شهدا زنده هستند اما شما نمی‌فهمید.» وی افزود: از طرفی جایگاه آنها بسیار روشن است به طوری که اگر شهدای صدر اسلام نبودند، اسلام قوام نمی‌یافت، اگر شهدای کربلا نیز نبودند اسلام دوام نمی‌یافت، اگر شهدای انقلاب نبودند انقلاب اسلامی به ثمر نمی‌نشست و اگر شهدای دفاع مقدس نبودند امروز جمهوری اسلامی ایران وجود خارجی نداشت و به دست دشمنان از بین رفته بود. رحیمیان دستاوردهای سه دهه اخیر جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف بین‌المللی، داخلی، علمی و

دکتر طالبی، مدیرعامل بانک کشاورزی با اشاره به ۲ هزار و ۸۰۰ شهید و ایثارگر بانک کشاورزی:

## شهدا و ایثارگران فضایی معنوی در بانک ایجاد کرده‌اند



بانک کشاورزی دارای بیش از ۲۸۰۰ نفر شهید و ایثارگر است و این فضای معنوی خوبی را در بانک ایجاد کرده است؛ شاید برگزاری این یادواره، خود نشان از وجود روحیه‌ای خاص در این بانک باشد.

دکتر محمد طالبی؛ عضو هیأت مدیره و مدیر عامل بانک کشاورزی با اشاره به این مطلب در مراسم یادواره شهدای بانک گفت: «یادواره شهدای بانک کشاورزی دارای پیامی است و شاید آوردن خانواده شهدا به محل بانک بیشتر به این خاطر باشد که صحبت‌های آنها شنیده شود چرا که حضور و مقدم آنها در بانک یادآور آیاتی است که باید به آنها اندیشید.»

دکتر طالبی افزود: «آنچه نتیجه و میراث تلاش شهدا و تدابیر حضرت امام خمینی(ره) بوده همین نظام مقدس جمهوری اسلامی است که امروز در اختیار ماست. جمهوری اسلامی اکنون به‌عنوان یک نظام برتر و متعالی در عرصه جهانی مطرح هست و به‌عنوان نظامی که توانسته در عرصه‌های مختلف موفق باشد به نظامی که مبین آرمان‌های دین اسلام باشد، تبدیل شده است.» او معتقد است: «آنچه حضرت امام از نظام جمهوری اسلامی توقع داشت نظامی بود که در تمام حوزه‌ها سربلند و سرفراز باشد و اکنون همه آمار و اطلاعات کیفی و کمی مربوط به عملکرد و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی نشان‌دهنده این برتری است.» او در ادامه گفت: «در حوزه‌های مختلف، نظام جمهوری اسلامی شرایطی را برای کشور به ارمغان آورده که قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. ایران

نخبگان تبدیل شده است؛ نخبگانی که تا پیش از این برای تحقیق و مطالعه به کشورهای دیگر سفر یا مهاجرت می‌کردند. در تکنولوژی‌های نوین و پیچیده چون هوافضا، بیوتکنولوژی و... ایران پیش‌تاز است و من فکر می‌کنم این دستاوردها حاصل خون شهداست و مهم‌ترین وظیفه و مأموریت ما این است که قدر این دستاوردهای مهم را بدانیم.»

دکتر طالبی ادامه داد: «این دستپاچگی و گیجی که به دشمنان انقلاب دست داده و ناتوانی پس از تحریم‌های متعدد که هیچ‌کدام کارساز نبوده علامتی است برای اینکه توجه کنیم به اتفاقات اخیر کشور و بدانیم مهم‌ترین مأموریت ما این است که از این دستاوردها حفاظت و حراست کنیم. مهم‌ترین مأموریت ما این است که قدر خانواده شهدا را بدانیم و حضور آنها را در جامعه بانک کشاورزی فراموش نکنیم.» دکتر طالبی افزود: «از خداوند می‌خواهیم کمک کند تا پاسدار خون شهدا باشیم و از آن حفاظت کنیم. آنچه ما در این مراسم به‌صورت نمادین انجام دادیم؛ ذره‌ای است در مقابل حقی که خانواده شهدا بر گردن ما دارند.»

مدیرعامل بانک کشاورزی در پایان سخنان خود دعا کرد: «همواره سنت پسندیده ملاقات و دیدار با خانواده شهدای بانک کشاورزی در سراسر کشور برقرار باشد چراکه این دیدارها تنها با هدف ابراز ارادت و روحیه گرفتن از آنها انجام می‌شود.» دکتر طالبی افزود: «بانک کشاورزی تلاش می‌کند در رابطه با فرزندان شهدای بانک به مسئولیت خود عمل کند، به‌ویژه حوزه سرمایه انسانی بانک بر این مسأله تأکید دارد.»

در عرصه‌های علم و تکنولوژی سرفرازی‌های بسیاری کسب کرده است؛ که نتیجه قداست خون شهدا و نیت‌های خیری است که بر این کشور با سکان‌داری رهبر معظم انقلاب حاکم است.» دکتر طالبی تأکید کرد: «طبق آمارها اوایل انقلاب، تقریباً سه در ده هزار نفر از جمعیت تحصیلات عالی‌ها داشتند اما امروزه این رقم به پنج درصد از جمعیت ایران افزایش یافته است.»

او معتقد است: «این پتانسیل خوبی در کشور ایران ایجاد کرده است به‌ویژه که کشور دارای جمعیت جوان است و در عرصه‌های علم و تکنولوژی‌های نوظهور افتخارات بسیاری کسب شده است. امروزه کشور ایران به یک مرکز مهم برای عرض‌اندام

### دیدار مدیرعامل بانک کشاورزی با هنرمندان گروه داستان گویا



گروه داستان گویا، تعدادی از دختران و پسران جوان ناشنوایی بودند که به‌همراه مربی خود برای اجرای برنامه در مراسم یادواره شهدای بانک کشاورزی حضور داشتند. آنها با لباس سربازان هشت سال دفاع مقدس و چفیه به گردن، بدون کلام سرودها را با حرکات هماهنگ و زیبایی خود اجرا کردند. علاوه بر اجرای دو سرود درباره

دفاع مقدس، موسیقی و تئاتری را هم با همین مضمون در سالن اجرا کردند. پس از اجرای این مراسم دکتر طالبی، مدیرعامل بانک کشاورزی در دفتر خود پذیرای این گروه شد و با تقدیر و تشکر از حضور آنها در بانک و تشویق هنرنمایی ایشان، هدایای را به‌عنوان تقدیر و یادبود به این جوانان تقدیم کرد.

# میثاق دوباره با شهادت

شهدا و ایثارگران در زمان جنگ از امکانات خود گذشتند و به میدان جنگ رفتند و حالا حکومت باید از خانواده شهدا و ایثارگران حمایت کند. به اعتقاد منصوریبگی بانک کشاورزی در حمایت از ایثارگران و خانواده شهدا پیش قدم بود و فعالیت‌هایی فراتر از مصوبه‌های دولتی را در حمایت از این عزیزان انجام داده است. حتی تفاهمنامه‌هایی نیز بین بانک کشاورزی و بنیاد شهید با هدف ایجاد امکانات برای خانواده شهدا و ایثارگران منعقد شده است.

مصطفی رحمان دوست، شاعر و نویسنده، میهمان ویژه این مراسم بود. او به نمایندگی از خانواده شهید نفیسی، رئیس یکی از شعب بانک کشاورزی در همدان در این مراسم حضور داشت. شهید نفیسی به همراه خانواده خود به خاطر حفاظت از اموال مردم به دست دزدان به شهادت رسیده است. رحمان دوست گفت: در تعریف شاعرانه شهید باید گفت کسی است که در یک لحظه تصمیمی بزرگ می‌گیرد. به همین دلیل فکر می‌کنم شهید نفیسی با دیگر شهدا فرق می‌کند. این شاعر ادامه داد: جو جبهه به گونه‌ای بود که فرد چندان نیازی نداشت تا برای شهادت تصمیمی بزرگ بگیرد.

در هشت سال دفاع مقدس، هر خانواده به این فکر بود تا سهمی به عهده بگیرد. هر روز نام کوچه‌ها تغییر می‌کرد و همه به گونه‌ای ترغیب به جنگ و شهادت می‌شدند.

اما شهدا تنها کسانی نیستند که فقط در یک حرکت عمومی به جنگ رفتند. کسی که در زندگی خود برای احقاق حق و رسیدن مردم به آرامش و آسایش تصمیمی بزرگ می‌گیرد، شهادتی بزرگ را انتخاب می‌کند.

شهید نفیسی در حالی شهید شد که در کنار خانواده‌اش بود و در شرایطی که نه دشمنی در کشور وجود داشت نه جنگی در گرفته بود، دزدان حریم خانه او را شکستند و برای پول و از بین بردن صلح و آرامش وارد خانه او شدند و دست به جنایت زدند. او ادامه داد: بعضی گویند او باید تمامی گاو صندوق بانک را به دزدان می‌داد و جان خود و خانواده‌اش را نجات می‌داد اما همین لحظات است که یک آدم معمولی به قهرمان تبدیل می‌شود زمانی که انسان تصمیم می‌گیرد و جاودانه می‌شود.

عبدالکریم کیانی از دیگر سخنرانان این مراسم بود. او که سال‌ها در اسارت رژیم بعثی بود خاطراتی از زمان اسارت در جنگ را برای حضار بازگو کرد.

عاملی موثر در تحکیم مبانی بانک مورد توجه قرار گرفته است و همه واحدهای مختلف بانک در رسیدگی به امور ایثارگران توجه خاص نشان داده‌اند که ان شاء الله این اقدام‌های از سوی ایثارگران و خانواده شهدا مورد قبول واقع شود. در ادامه این مراسم علی‌نقی منصوریبگی، مدیر شعب بانک در استان کرمانشاه که خود از ایثارگران بانک کشاورزی است، درباره معنای ایثارگری گفت: ایثارگری زمانی تحقق می‌یابد که فرد یا گروهی در کشور مقابل حق بایستد و در این مواقع اگر حقیقت‌جویی فطری

یادواره شهدای بانک کشاورزی با حضور خانواده شهدای بانک، اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل بانک کشاورزی، دکتر فلسفی معاون وزیر جهاد کشاورزی، گروهی از مسئولان بنیاد شهید و آیت‌الله رحیمیان نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید در سالن اجتماعات بانک کشاورزی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم داور ماهیکار، عضو هیأت مدیره بانک کشاورزی درباره وظیفه بانک نسبت به تکریم خانواده شهدا و تسهیلات ویژه‌ای که بانک در اختیار خانواده شهدا و ایثارگران بانک کشاورزی



انسان‌ها بیدار شود، همان اتفاقی می‌افتد که در طول هشت سال دفاع مقدس اتفاق افتاد.

او اشاره کرد: جنگ نعمتی بود برای استمرار نظام جمهوری اسلامی و ملت را یکپارچه در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب قرار داد. او ادامه داد: خانواده

**قلم دانشمندان از خون شهدا برتر است چرا که مقام شهید هم بالا و پایین دارد کسی که در زندگی خود برای تحقق حق و رسیدن مردم به آرامش و آسایش تصمیمی بزرگ می‌گیرد، شهادتی بزرگ را انتخاب می‌کند**

و حتی مشتریان ایثارگر آن در نظر دارد، صحبت کرد. او در ارتباط با مشتریان ایثارگر و ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان برای آنها گفت: باید به مواردی چون معاف کردن از سهم آورده تعاونی‌هایی که ۷۰ درصد آن را ایثارگران به خود اختصاص داده‌اند، اشاره کرد.

ماهیکار ادامه داد: پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه بر اساس توافقنامه‌ای میان بانک و موسسه قرض‌الحسنه شاهد و مناسب‌سازی ساختمان‌های بانک با توجه به شرایط جسمی جانبازان و ایثارگران از دیگر اقدام‌هایی است که بانک کشاورزی در جهت رفاه حال ایثارگران انجام داده است. ماهیکار معتقد است: اقدام‌های انجام‌شده از سوی بانک کشاورزی نشان‌دهنده این است که فرهنگ ایثار به‌عنوان

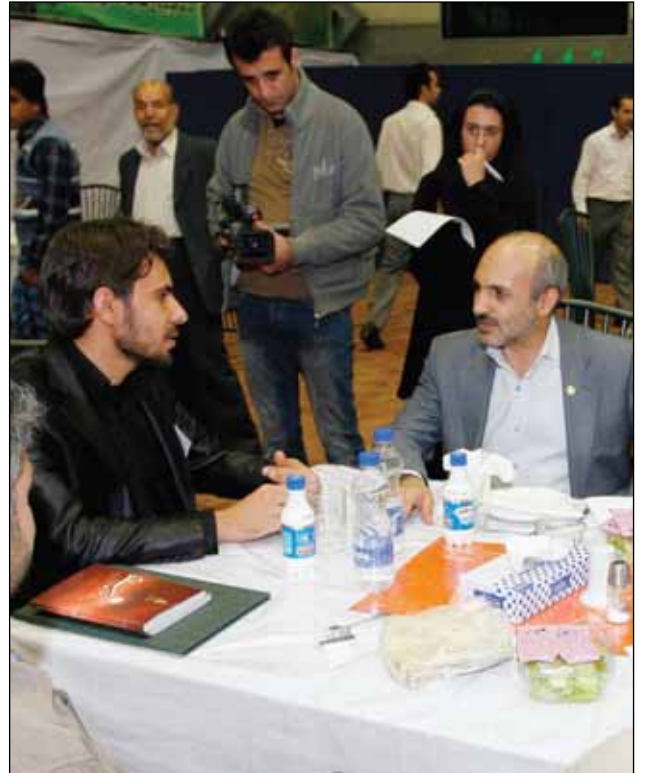


## دیدار صمیمانه مدیر عامل با خانواده شهدا

مدیرعامل بانک کشاورزی پس از برنامه یادواره شهدای بانک کشاورزی دیداری صمیمانه‌ای با خانواده شهدا داشت. پس از برگزاری نماز جماعت دکتر طالبی به هنگام صرف نهار به سراغ خانواده شهدا رفت و با آنها همراه شد.

طالبی در پاسخ به فرزند یکی از خانواده‌های شهدا که عنوان کرد چند سالی است به دنبال کار می‌گردد گفت که باید درسش را تمام کند و پس از آن درخواستی نوشته و برای بانک بفرستد. او همچنین قول پیگیری استخدام یکی دیگر از فرزندان خانواده شهدا که مدرک لیسانس داشت را داد. طالبی همچنین در دیدار تعدادی دیگر، از همسران شهدا که مشکلی در هزینه‌های درمان داشتند قول مساعدت داد.

او همچنین به خانواده دیگری گفت که با درخواست آنها مبنی بر جابجایی به شهرستان دیگر به دلیل ناراحتی تنفسی موافقت خواهد کرد. تنها کافی است آنها نامه‌ای به مدیریت بنویسند. پیگیری برای وام مسکن خانواده‌ها و اشتغال فرزندان شهید از جمله مواردی بود که خانواده شهدای بانک کشاورزی با مدیرعامل بانک در میان گذاشتند.







## شهدا و خانواده آنها برکت بانک کشاورزی هستند



اینکه یک سال را در مشهد گذرانیم. اما از سال ۷۴ به دلیل اینکه در جبهه شیمیایی شده بود، ناراحتی تنفس اش بیشتر شد و او را بعد از ۹ ماه از پای در آورد.

همسر شهید فروغی از اینکه مسئولان بانک هر سال به دیدار خانواده آنها می‌روند و با وام مسکن او موافقت کرده‌اند، تشکر می‌کند.

### بانک کشاورزی فراتر از انتظار برای حق و حقوق جانبازان عمل کرده است

منصور بیگی، مدیر ستادی استان کرمانشاه جانباز ۳۴ درصد نیروی انتظامی و از خانواده شهداست. او ۲۶ سال سابقه خدمت دارد. از کارمندی گرفته تا رئیس استان، در بانک

سابقه کار در شهرستان زنجان داشت. او درباره خدمات بانک ادامه داد: سالی یکی دو بار از طرف بانک به دیدن ما می‌آیند و از اوضاع زندگی مان باخبر می‌شوند. اما ما می‌خواهیم که دختر و پسرمان استخدام بانک شوند.

### تشکر به خاطر دیدار از خانواده شهید

شهید فروغی از جانبازان ۷۰ درصد شیمیایی بود که سال ۷۵ در حالی که تنها ۳۲ سال داشت و در بیمارستان مشهد بستری بود، شهید شد. فاطمه دولتی، همسر شهید عباس فروغی به همراه حسین فروغی در برنامه یادواره شهدای بانک کشاورزی شرکت کردند. حسین فروغی یکی از دو فرزند شهید فروغی است که ۱۵ سال سن دارد و یکساله بوده که پدرش شهید شد.

او می‌گوید: عباس فروغی سال ۶۸ به عنوان سرایدار استخدام بانک شد. چهار سال در کلات نادر بودیم. تا

### شهید ایرج بختیاری تنها ۲۵ سال داشت

شهید ایرج بختیاری سال ۶۴ به جبهه رفت. سه ماه بیشتر طول نکشید که در عملیات والفجر همان سال شهید شد. ۲۵ ساله بود و دو فرزند از خود به یادگار گذاشته است.

دختر شهید ایرج بختیاری که حالا بعد از ۱۴ سال دانشجوی لیسانس است، به عنوان معلم پیش‌دبستانی فعالیت می‌کند.

شهید ایرج بختیاری قبل از شهادتش زمینی خریده بود که خانواده او با وام بانک توانستند در آنجا خانه‌ای بسازند.



همسر شهید می‌گوید که ما تنها چهار سال زندگی کردیم. او در این مدت نامه‌رسان بانک بود و چهار سال



بانک کشاورزی روز دوم دی‌ماه در برنامه یادواره شهدای بانک، میزبان خانواده شهدایی بود که همواره به وجودشان می‌بالید. پدر شهید حسین شکری، کارمند شعبه نفیسی بانک کشاورزی استان همدان می‌گوید: حسین سال ۶۸ شهید شد. از آن زمان به بعد بانک کشاورزی جمال پسر حسین را زیر پرورش خود گرفت. به من هم کمک کردند تا در شهرک فرهنگیان همدان خانه‌ای بخرم.

برادر حسین شکری که به همراه پدر در برنامه یادواره شهدای بانک شرکت کرده بود، توضیح می‌دهد که نگرانی‌هایشان به خاطر زندگی و کار جمال، با استخدام شدن او در بانک برطرف شده است.



کشاورزی سمت داشته است. او بیش از یک دهه از زمانی که کمیته ایثارگران در بانک شکل گرفت با حفظ سمت، مسئولیت این کمیته را داشت.

او می‌گوید: از آنجایی که بانک کشاورزی فراتر از انتظار برای حق و حقوق جانبازان عمل کرده، ما هم در استان خود توانستیم ارتباط بهتری را با متولی جانبازان داشته باشیم. به طوری که بنا به مستندات که وجود دارد در مجموعه قوانین با هم تبادل نظر داشتیم. او با اعلام اینکه در کرمانشاه بیش از ۷۰ ایثارگر و خانواده شهدای بانک کشاورزی وجود دارد، عنوان می‌کند که این افراد دارای پست سازمانی هستند. سرکشی از خانواده آنها و برگزاری گردهمایی از جمله برنامه‌هایی بوده است که استان کرمانشاه برای جانبازان و خانواده شهدا برگزار کرده است. منصوریگی، شاهبیت خواسته‌های جانبازان و خانواده شهدا را در به‌کارگیری فرزندان‌شان در بانک می‌داند. وی عنوان می‌کند که

در قالب نیروهای شرکتی، بسیاری از افراد را طرف قرارداد با بخش خصوصی کرده‌ایم.

### فرزندان خانواده شهدا در اولویت استخدام هستند

زعفر یا حقی، عضو کمیته ایثارگران بانک کشاورزی است. به گفته وی



مسئولان بانک کشاورزی به‌منظور پاسداشت خانواده ایثارگران و شهدا و جانبازان با آنها دیدار می‌کند.

او که خود از جانبازان ۲۰ درصد است و سال ۶۳ مجروح شده است، می‌گوید: از مشکلات آنها باخبر می‌شویم و آنها را بررسی می‌کنیم. مسائلی که مطرح می‌شود درباره

مسائل معیشتی و اقتصادی آنهاست. و درباره استخدام فرزندان هم هست. برای این منظور شرایطی برای مدارک و استخدام وجود دارد اما عموماً با توجه به سهمیه‌ای که دارند در اولویت قرار می‌گیرند.

### بدهکار نظام جمهوری اسلامی هستیم

چولکی جانباز ۴۰ درصد است. او خود را خدمتگزار بانک کشاورزی و بدهکار نظام جمهوری اسلامی می‌داند و معتقد است که بانک تا جایی که در حد توانش بوده برای خانواده شهدا و جانبازان قدم برداشته است.

### شهدا برکتی همیشگی برای بانک هستند

تیمور غفاری جانباز ۱۰ درصد در عملیات بیت‌المقدس است. پنج سال در بازاریابی و تجهیز منابع و مدیریت بازاریابی منابع بانکی بوده است. وی در کمیته بانک عنوان کرد که باید

امتیاز ارتقای شغلی لحاظ شود تا بتوانیم کار آنها را به‌نحو احسن جبران کنیم. غفاری با بیان این مطلب می‌گوید: جای تقدیر از شهدا و کسانی که برای انقلاب زحمت کشیده‌اند وجود دارد.



چون آنها با خدا معامله کرده‌اند به‌خاطر همین چشم‌داشتی به تسهیلات و مزایا ندارند. ما اعتقاد داریم که نورانیت آنها در بانک کشاورزی تاثیرگذار است.

خانواده غفاری یک شهید در دفاع مقدس تقدیم انقلاب کرده است. او معتقد است که هیچ‌کس نمی‌تواند جبران کارهایی را که شهدا برای مملکت ما کرده‌اند، بکند. او حضور شهدا و خانواده آنها را برکتی همیشگی برای بانک می‌داند.

## جمالوندی، مسئول کمیته ایثارگران بانک کشاورزی:

# کمیته ایثارگران فعال‌ترین اعضا را در سیستم بانکی دارد

برگزاری این المپیادها در سیستم کاری جانبازان، اثر مطلوبی دارد.

محمد رضا جمالوندی با اشاره اینکه جانبازان در بانک کشاورزی به‌خاطر توانمندی و پتانسیل‌هایی که دارند، توانسته‌اند به جایگاه‌های رفیعی برسند، گفت: کمترین تخلف‌ها در سیستم بانکی مربوط به امور ایثارگران است.

محمد رضا جمالوندی با بیان اینکه کمیته ایثارگران فعال‌ترین اعضا را در سیستم بانکی دارد، گفت: جانبازان موفق در بانک کشاورزی کار می‌کنند که هر کدام در بخش‌های فرهنگی و ورزشی و یا در مسئولیتی که دارند، موفق عمل کرده‌اند، مانند آقای قره‌محمدلو که قهرمان پارالمپیک است و رکورددار جهان در این مسابقات بود؛ آقای اوجانی هم قهرمان تنیس کشور است. وی افزود: در بانک کشاورزی همه به‌خاطر لیاقت و کاردانی که در امور محوله ایثارگران دارند، به موفقیت می‌رسند. می‌توانید تایید گفته‌های اینجانب را در عملکرد آنان ببینید.



سیستم بانکی تاکنون پنج دوره المپیاد فرهنگی و ورزشی برگزار کرده و در هر سال بیش از ۴۰۰ نفر از جانبازان و ایثارگران به‌همین مناسبت گرد هم می‌آید.

کمیته ایثارگران بانک کشاورزی با دو هزار و ۷۰۰ عضو ایثارگر و خانواده شهدا همه ماهه با حضور در یکی از استان‌ها جلساتی را برگزار می‌کند تا به مشکلات و درخواست‌های خانواده شهدا و ایثارگران رسیدگی کند. استخدام یک نفر از خانواده شهدا و توجه به درخواست جانبازان از جمله فعالیت‌های کمیته ایثارگران است.

وی در حاشیه یادواره شهدای بانک کشاورزی در گفت‌وگو با پیام مهر گفت: دو هزار و ۷۰۰ ایثارگر و خانواده شهدا و جانبازان، عضو کمیته ایثارگران هستند که از این تعداد بیش از ۷۵۰ نفر جانباز و ۳۳ نفر از خانواده شهیدند. محمد رضا جمالوندی درباره برنامه‌های کمیته ایثارگران گفت: هر ماه جلسه بررسی مشکلات جانبازان و ایثارگران را در یکی از استان‌ها به‌صورت دوره‌ای برگزار می‌کنیم و در آن جلسه، نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که مربوط به جانبازان است را پیگیری کرده و نسبت به رفع مشکلات اقدام کنیم. وی تصریح کرد: امور ایثارگران



# خبر آزادی ما را منقلب کرد

پسرکی دوید و با اشتیاق تمام چند نان به من داد؛ آن هم پس از اینکه نگهبان اجازه داد که پنجره اتوبوس را بگشایم، نان را بین دوستان و برادرانم تقسیم کردم و اتوبوس به راه افتاد.

بعد از دقایقی به بغداد رسیدیم. شهری می‌نمود با دوگانگی‌های فراوان. در یک نظر می‌توان دریافت که (مدینه‌الصادم) که جزو بغداد محسوب می‌شود، ثروتمندترین باشد و مابقی مناطق بغداد، در فقر غوطه می‌خورد. جلوی دژبانی پادگان الرشید پس از اینکه یکی از نگهبانان برگه‌ای را به افسر دژبان تحویل داد، اجازه عبور یافتیم. پس از توقف اتوبوس دو ستون موازی هم از سربازان پادگان تشکیل شد که در دست هر کدامشان کابل یا باتوم بود. از اتوبوس پیاده‌مان کردند. نفر به نفر از وسط این دو ستون رد می‌شدیم و زیر ضربات کابل و باتوم قرار می‌گرفتیم. ضربه چند چشم‌مان سیاهی برود. چاره‌ای نبود، مفری نداشتیم. این دو ستون موازی از سربازان کابل به‌دست را بعدها تونل وحشت نام نهادیم. پس از اینکه از این

با کابل این قدر به سروصورتان زد که از حال رفتیم، پس از این مدت کوتاه ما را سوار اتوبوس کردند و احتمال می‌رفت که مقصد بغداد باشد. در اتوبوس گروهبانی که فارسی را به‌خوبی صحبت می‌کرد گفت که نگهبان‌های ما تمام حرکات شما را زیر نظر دارند، پس بهتر است که بی‌احتیاطی نکنید و مراقب رفتارتان باشید. در اتوبوس چهار نگهبان تا دندان مسلح، مسئولیت مراقبت از ما را داشتند.

تا بغداد حدود هفت ساعت در راه بودیم. بین راه، برخلاف تقاضاهای مکررمان اجازه اجابت مزاج نمی‌دادند و شرایط بسیار دشواری را تحمل می‌کردیم. به دهکده‌ای رسیدیم. در آنجا اجازه دادند چشم‌بندهایمان را باز کنیم. چند دکه و یک مغازه نانوايي چشم‌انداز دهکده را تشکیل می‌داد.

روز عاشورای سال ۱۳۶۷ به اسارت عراقیان درآمدیم. ۴۸ ساعت را در شهر مرزی العماره و در یک اتاق سه در چهار و با برخورد وحشیانه عراقی‌ها سپری کردیم. دوستان و هم‌زمان من خسته، گرسنه و گرم‌زده بودند. در این اتاق که بازداشتگاه اولیه ما محسوب می‌شد گرما و گرسنگی و ضعف جسمی بر چهار ستون بدن ما فشار می‌آورد؛ اما بچه‌ها دارای روحیه‌ای عالی بودند، طوری که به نیایش و دعا می‌پرداختند.

در این ۴۸ ساعت فقط یک وعده به ما غذایی ناکافی دادند، آن هم بدین نحو که غذا را که شامل مقدار کمی برنج و مقداری پیاز پخته بود داخل ظرفی ریخته بودند. سربازی که این ظرف را حمل می‌کرد اول با نفرت و خشم آب دهان خویش را داخل آن ریخت؛ سپس ظرف را زمین نهاد و

## • تیمور آتش‌رای کارمند شعبه صومعه‌سرا

یک گردان از نیروهای متجاوز ارتش بعثی با سوءاستفاده از آتش‌بس و خویش‌داری ما، و با استفاده از تمامی امکانات زرهی وارد منطقه عملیاتی شدند و این در حالی بود که ماموران حافظ صلح سازمان ملل شاهد ترکتازی آنان بودند. به دستور فرمانده گروهان دو اتومبیل و چند خمپاره‌انداز را برای جلوگیری از نفوذ عراقی‌ها، سد راه قرار دادیم تا اینکه در ساعت ۱۱ فرمانده گردان به‌منظور روحیه‌دادن به ما به منطقه آمد و دستوراتی صادر کرد.

بسیار دریغ و صد افسوس از اینکه اجازه تیراندازی نداشتیم! سربازان رشید و دلاور دسته ما به مقابله تن به تن با نیروهای بعثی پرداختند، اما درنهایت در ساعت ۳/۵ عصر

داشتند و یک هسته، مقاومت مخفی تشکیل داده بودند و ما را در مقابل شاید اردوگاه راهنمایی و ارشاد می کردند و کارشان بسیار روحیه بخش بود. همین حزب الهی های اردوگاه ها بودند که اجازه نمی دادند عراقی ها از ضعف بچه ها سود ببرند و بعضی از آنها را به صورت خرچین بگمارند تا به امکانات رفاهی دسترسی داشته باشند. من در کلاس های درسی که بیشتر مربوط به آموختن زبان بود، شرکت می کردم. دوست داشتم که زبان عربی را یاد بگیریم؛ آن هم برای ترجمه روزنامه هایی که به زبان عربی به دست بچه ها می دادند. بعدها به این مقصود رسیدم و در این زمینه مهارت کافی به دست آوردم و روزنامه هایی را که در سطح اردوگاه پخش می شد برای بچه ها ترجمه می کردم. یادم هست یک بار از نگهبان اردوگاه که فارسی بلد بود پرسیدم عدوان یعنی چه؟ او گفت اول یک سیلی محکم به تو می زنم، بعدا می گویم. من هم پذیرفتم او سیلی محکمی به من زد و گفت عدوان یعنی دشمنان. پس از گذشت ۱۰ ماه از اردوگاه ۱۶ تکریت به اردوگاه شماره ۲۰ منتقل شدیم.

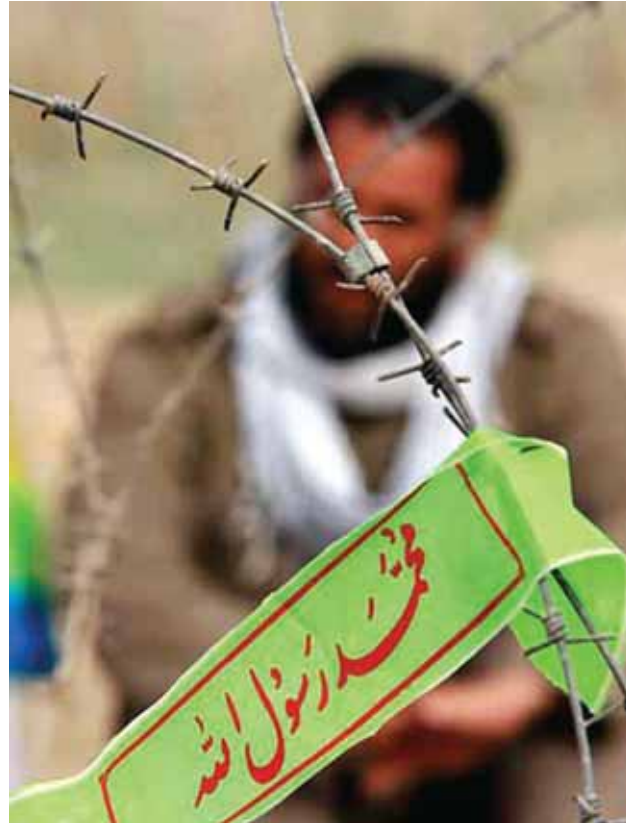
در این اردوگاه ددمنشی عراقی ها به اوج خود رسید. روزی دو عدد نان ساندویچی به ما می دادند و باز هم از لحاظ آب و سایر امکانات رفاهی در تنگنا بودیم. وقت نهار به گروه های ۱۰ نفره تقسیم می شدیم و هر گروه یک سرگروهی داشت که موظف بود غذا را از آشپزخانه با سینی بیاورد. این سینی ظرف غذا را وقتی بین مان تقسیم می کرد، به هر نفر چهار قاشق برنج می رسید. افسر ارشد این اردوگاه به نام نقیب خلیل یک مجروح جنگی بود.

او یک بعثی خون آشام بود و حتی به سربازان خودش هم رحم نمی کرد. او دستور داده بود که هیچ وقت اسرا اجازه ندارند در سایه بنشینند و باید حتما قدم می زدیم. تا اینکه خبر آزادی ما را منقلب کرد. ما خوشحال بودیم. دوران رنج و بی کسی و حرمان به آخر رسیده بود.

این کمپ بارها بدون دلیل ما را زیر ضربات شدید کابل و باتوم قرار دادند. یکی از نگهبانان، به نام خلیل، تمام افتخار و مباحثش این بود که با کابل دست ساز خودش ما را تنبیه کند. وی درون چند رشته ضخیم و بهم بافته نخ ابریشم، مقداری گلوله ساچمه ای گذاشته بود و با آن به سر و رویمان می کوبید. در این اردوگاه نشستن در طول روز اکیدا ممنوع بود و باید تا وقت

سروصورتان خونین و مالین می شد. یک بار با خودش ضبط صوتی آورده بود و به مترجم اردوگاه گفت که بگوید هر که نام خواننده این نوار کاست را بگوید به او یک پاکت سیگار جایزه می دهیم، چون ما نام آن خواننده را که عربی هم می خواند نمی دانستیم.

اردوگاه دارای نظم خاصی بود و شرایط دهشتناکی داشت. باز هم از کمبود غذا و سوء تغذیه و کمبود آب



ناهار قدم می زدیم و بیگاری می کردیم. بیگاری در این کمپ بیشتر به خاطر ساخت برجک های نگهبانی بود.

برای استحمام که هر دو هفته یک بار صورت می گرفت از تانکرهای آب استفاده می شد و ما را پنج تا پنج تا جلوی آبپاش این تانکرها می گذاشتند که به اصطلاح استحمام کنیم! اگر کمی طول می دادیم با کابل به جانمان می افتادند. در ماه رمضان که واقعا ماه رحمت بود، بچه ها روزه می گرفتند و جیره غذایی خویش را انفاق می کردند که بسیار جالب و کم نظیر بود.

در این اردوگاه بچه های حزب الهی به طور پنهانی رهبری را در دست

تول وحشت که سمبل رفتار سبعانه عراقیان بود، رد شدید، سرهایمان شکسته بود و چشمانمان کبود و متورم شده بود. پژواک صداهای درهم آمیخته کابل و ناله هنوز در گوشم می پیچد. پس از این نمایش کینه و خباثت، به خطمان کردند تا آمار بگیرند.

پس از اخذ آمار، باز هم دم در یک اتاق چهار در چهار، تونل وحشت درست کردند و هشتاد نفر هشتاد نفر از زیر ضربات کابل و باتوم رد کردند. این اتاق ها که تعداد آنان شاید به هفت عدد می رسید بسیار طاقت فرسا و عذاب آور بودند که هشتاد نفر با هم در یک اتاق (سلول) به سر برند. روزهای بعد، برای هر نفر دو پتو دادند که یکی به عنوان زیرانداز بود و دیگری به عنوان روانداز؛ اما در روز اول در این سلول ها از نظر پتو و بالش در مضیقه کامل بودیم. پوتین های سربازی را به عنوان بالش زیر سر می گذاشتیم و لباس هایمان را که دیگر ژنده و پاره شده بودند، به عنوان روانداز استفاده می کردیم و آنها را به خاطر اینکه تنها یادگار عزیز ایران بود، دوست داشتیم. وضع بهداشتی مان با توجه به کمبود آب بسیار اسفبار و غم انگیز بود. رعایت بهداشت در مدت سه ماهی که در این سلول ها به سر می بردیم فقط بدین صورت بود که شپش ها را از تنمان جدا کنیم! و دیگر هیچ ...

هنوز آفتاب سر زنده پس از اخذ آمار بیرون می آمدیم و تنها در گروه های دو نفره می توانستیم قدم بزنیم یا صحبت بکنیم و از ساعات شروع روز مشکل اصلی این بود که با وجود فقط پنج دستشویی برای ۶۰۰ نفر چگونه می توان رفع حاجت کرد.

برای اجابت مزاج روزی سه الی چهار ساعت در صف می ایستادیم. غروب وقت آمار، گاهی گروهبانی می آمد از ما آمار می گرفت که کاملا روانی بود. سبک آمار گرفتن او این طور بود که به خطمان می کرد، آن گاه چاقویی از جیبش بیرون می آورد و تیغه تیز چاقو را به سر اولین نفر فرو می کرد و بعد با صدای بلند می گفت واحد .... و پس از اینکه آمار می گرفت

و امکانات پزشکی و بهداشتی رنج می بردیم. بیماری هایی مثل اسهال خونی و گال بیداد می کرد. در یک تابستان در این اردوگاه ۱۸۰ نفر از بچه ها شهید شدند؛ آن هم بر اثر اسهال خونی و گال از نوع بسیار پیشرفته آن. در اردوگاه پنج تا سوله بود که در هر سوله ۷۵۰ نفر به سر می بردیم. این سوله ها دارای دستشویی نبود و فقط روزها می توانستیم در محوطه پس از به صف ایستادن های طولانی به دستشویی برویم.

در این اردوگاه من مبتلا به اسهال خونی شدم و مدت سه ماه کنار سطح دستشویی داخل سوله می خوابیدم. در

صاحب امتیاز: بانک کشاورزی

مدیر مسئول: عبدالله سلیمانی

سر دبیر: مرتضی مهدویان

مدیر اجرایی: الهام خرمی

مسئول ارتباطات: مرضیه امیری

تولید: گروه نشریران

نشانی: تهران - بزرگراه جلال آل احمد، نبش خیابان شهرآرا،

ساختمان بانک کشاورزی، طبقه اول، اداره کل روابط عمومی

تلفن: ۸۸۲۸۹۳۵۹-۰۲۱

نمابر: ۸۸۲۸۹۳۵۸-۰۲۱

صندوق پستی: ۶۳۹۵-۱۴۱۵۵

www.agri-bank.ir

payamemehr@agri-bank.com

## تصمیم بزرگ شهید نفیسی



مراجعه کرده بودم، برایم بسیار دشوار و سنگین است ولی فکر می‌کنم فعالیت در دیگر شعبه‌ها کمتر چنین تأثیری داشته باشد. به هر حال برای من این اتفاق نیفتاد که در بانک کشاورزی مشغول به کار باشم.

### ■ چه تفسیری از اینار پدرتان دارید؟

او در لحظه‌ای خاص تصمیمی بزرگ گرفت، به هر حال من هرگز دوست نداشتم که او یا مادر و برادرانم را از دست بدهم ولی در عین حال به یقین حق او بود که چنین مرگی شرافتمندانه به نامش نوشته شود.

### ■ آیا شما خودتان را سرزنش نمی‌کنید که در موقع حادثه آنجا نبودید؟

البته اوقاتی هست که احساس می‌کنم بهتر بود من هم در کنار آنها بودم ولی تقدیر چنین نبود.

### ■ بانک کشاورزی چه اقدامی برای خانواده شهید انجام داد؟

بانک به‌ویژه در ماه‌های نخست تلاش زیادی برای تسکین درد نبود خانواده‌ام انجام داد و در سال‌های بعد، لوح یادبودی در جوار شعبه مرکزی بانک در میدان آرامگاه همدان نصب شد، همچنین چاپ اول کتابی که در مورد این واقعه نوشته شده بود با همکاری بانک صورت گرفت. امسال هم که شاهد برگزاری یادمان شهدای بانک کشاورزی بودیم، البته ما با همکاری بنیاد شهید توانستیم کوچه کنار شعبه مرکزی بانک در همدان و خیابانی در تهران را نیز به نام شهید نفیسی، نامگذاری کنیم.

### ■ فکر می‌کنید وظیفه بانک کشاورزی در مقابل خانواده شهید و خود شما چیست؟

اگرچه بانک نهادی اقتصادی است ولی همان‌طور که هم در کشور ما و هم در دیگر کشورها مرسوم است، مراکز اقتصادی با زمینه‌سازی‌های فرهنگی علاوه بر داشتن سهم در پیشرفت این امور، نام خود را نیز در ذهن مردم و جوانان تثبیت می‌کنند.

هم‌اکنون در کشور ما نام افرادی مثل ریزعلی خواجه‌ای (دهقان فداکار) در همه‌جا شناخته شده است، کسی که به حق برای فداکاری و حس مسئولیت خود باید مورد توجه قرار می‌گرفت، ولی نام کسانی مانند شهید نفیسی که از جان گذشتگی وی قابل‌مقایسه با چنین عملی نیست جایگاه شایسته‌تری را طلب می‌کند. به نظر می‌رسد بانک کشاورزی با داشتن چنین سرمایه‌ای، می‌تواند ضمن معرفی ایشان، هم به فرهنگ‌سازی عمومی همت گمارد و هم نام وی را که قرین با نام بانک کشاورزی است، بلند آوازه گرداند.

دانشگاه شود. وی در سال ۱۳۷۴ با همسر آینده‌اش آشنا و در مرداد ۱۳۷۵ با او ازدواج کرد. در سال‌های بعد بی‌تا در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات زبان انگلیسی در دانشگاه علامه طباطبایی پذیرفته شد و خداوند نیز پسری به نام پیمان به او هدیه کرد. بی‌تا هم‌اکنون در برخی واحدهای دانشگاه آزاد و یکی از موسسه‌های زبان به تدریس مشغول است و به‌تازگی پس از کارهای ترجمه‌ای متون تاریخ هنر، بعضی ساعات اوقات فراغتش را به ترجمه کتاب کودکان از انگلیسی به فارسی صرف می‌کند.



از او پرسیدیم:

### ■ چه نظری درباره کار در بانک دارید؟

طبیعتاً حضور در شعبه مرکزی بانک در همدان و شعبه مرکزی تهران که پس از آن حادثه بارها به آن

هرچند چو گل همه بر باد رفته‌اند هرگز گمان مبر که از یاد رفته‌اند گرچه خون ده‌ها هزار شهید، چون لاله‌های سرخ در کوچه‌های شهر و روستا دمیده است ولی در این میان بودند سروهای رشیدی که قامت و استقامتشان با خط جلی بر لوح دل و صفحه تاریخ سرزمین مان نقش بسته است. شهید عبدالرحمن نفیسی، زمانی تصمیم گرفت و به سارقان گفت: «اموال مرا ببرید اما دست به بیت‌المال نزنید» که پیکر خونینش را جانین در بند کرده، همسر شوریده‌اش در اتاقی اسیر و دو کودک بی‌پناه و هراسانش هم در جای دیگری حبس کرده بودند. این ایمان و امانت‌داری که به چنین درجه‌ای از اخلاص رسیده است، سرمایه‌ای نیست که به تاراج زمان برود بلکه بر ماست که چنین گوهری را قدر بشناسیم و شهامتش را تبدیل به حرکت فرهنگی برای رشد جامعه کنیم. با برگزاری مراسم یادمان شهدای بانک کشاورزی که به همت مسئولان بانک و همکاری بنیاد شهید انجام شد، با چهره یادگاران شهدا به‌ویژه تنها بازمانده خانواده شهید نفیسی، یعنی بی‌تا آشنا شدیم و این بهانه‌ای شد برای چند سوال کوتاه...

بی‌تا پس از واقعه از دست دادن پدر، مادر و دو برادرش ایمان و پیمان، به منزل پدر بزرگ پدری خود در خوزستان بازگشت. اگرچه حادثه آن‌چنان بزرگ بود که مهلت آسایش به او نمی‌داد، بی‌تا درسش را ادامه داد و توانست در رشته ادبیات زبان انگلیسی وارد